

سنت الله به روایت قرآن

شمسی واقف‌زاده*

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۲۸

امیر عمرانی ساردو**

تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۵

پرویز لکزائیان فکور***

چکیده

به روش‌ها و قوانینی که در افعال الهی وجود دارد و بر اساس آن، امور عالم و آدم تدبیر می‌شود، سنت‌های الهی می‌گویند. پدیده‌های جهان، محکوم همین قوانین ثابت و سنت‌های تغییرناپذیر الهی هستند؛ به تعبیر دیگر خداوند شیوه‌های معینی دارد که گردش امور هستی هرگز بیرون از آن شیوه‌ها انجام نمی‌شود. در جای‌جای قرآن به مطالعه سنت‌های الهی و سرگذشت ملت‌های قبل تأکید شده است، که خود ناظر بر جاری‌بودن آن سنت‌ها در طی همه اعصار و در میان تمام اقوام می‌باشد. مضمون آیاتی که به موضوع سنت‌های الهی پرداخته‌اند متفاوت است؛ برخی از آیات به اصل وجود سنت الهی، برخی به مصادیق آن و برخی هم به اوصاف و ویژگی‌های سنت الهی اشاره دارند.

کلیدواژه‌ها: سنت‌الله، قرآن، افعال الهی، عبرت قرآنی.

Shvaghefzadeh@iauvaramin.ac.ir

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - ورامین (استادیار)

** مدرس دانشگاه پیام‌نور - عنبرآباد

*** مدرس دانشگاه تربیت‌معلم - زاهدان

نویسنده مسئول: شمسی واقف‌زاده

مقدمه

وقتی سخن از «سنت الهی» به میان می‌آید منظور این نیست که فعلی مستقیم و بی‌واسطه از خدای متعال صادر شود، بلکه ممکن است اسباب و علل بسیاری اعم از طبیعی، غیرطبیعی، و غیبی در کار باشد و در عین حال فعل به خدای متعال منسوب شود. با توجه به این که خداوند متعال، سنت‌های خود را به گونه‌ای ترسیم کرده است که عوامل و شرایط گوناگون در تحقق یا تعجیل و تأخیر این سنت‌ها دخالت دارند، در این راستا نقش انسان در این سنت‌ها بسیار چشمگیر است؛ بنابراین ایجاد زمینه‌ها و شرایط تحقق سنت‌های الهی، به‌ویژه سنت‌های مهم و اساسی مثل سنت پیروزی حق بر باطل، سنت حاکمیت صالحان، غلبه اسلام بر سایر ادیان و سنت جانشینی مستضعفان، بر عهده انسان‌های متعهد گذارده شده است.

سنت در لغت

«سُنَّةُ اللَّهِ أَحْكَامُهُ وَأَمْرُهُ وَنَهْيُهُ»؛ سنت الهی شامل احکام و امر و نهی الهی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۲۵).

«سُنَّةُ النَّبِيِّ طَرِيقَتُهُ الَّتِي كَانَ يَتَحَرَّاهَا، وَ سُنَّةُ اللَّهِ تَعَالَى قَدْ تَقَال لَطَرِيقَهُ حِكْمَتُهُ وَ طَرِيقَهُ طَاعَتُهُ، نَحْوُ:

﴿سُنَّةُ اللَّهِ الَّتِي قَدْ دَخَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (فتح/ ۲۳)

﴿وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ (فاطر/ ۴۳)

سنت پیامبر همان روش‌های ایشان است که به آن‌ها پایبند است. سنت خداوند، روش حکمت و روش طاعت ایشان است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۳۹).

در کتاب "قاموس قرآن" علاوه بر مطالب بالا از قول مرحوم طبرسی نقل می‌کند: «سنت و طریقه و سیره نظیر هم هستند» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۴۲).

فیومی نیز سنت را به راه و روش و سیره معنا کرده است (۱۴۰۵، ج ۱: ۲۹۲).

علامه در "المیزان" چنین بیان می‌دارد: «کلمه سنت به معنای طریقه معمول و رایج است که به طبع خود غالباً یا دائماً جاری باشد و جامعه در آن سیر می‌کند (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۷: ۳۴).

بنابراین سنت الهی روش، طریقه، و قانونی است که به فرمان خداوند بر عالم حکمفرما باشد.

دعوت قرآن به مطالعه سنت‌های الهی

قرآن کریم همه مردم را به مطالعه سنت‌ها و قوانین الهی که بر امت‌های پیشین جاری شده فراخوانده، و از آن‌ها خواسته که برای بررسی آنچه بر گذشتگان رفته است نسبت به سرانجام رفتار خود بیندیشند، و از سرنوشت تکذیب‌کنندگان و کفرپیشگان عبرت گیرند. برخی از آیاتی که انسان‌ها را دعوت به مطالعه و شناخت سرنوشت امت‌های پیشین و چگونگی جریان سنت‌های الهی در میان آن‌ها کرده‌اند، به شرح زیر است:

﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ (آل-

عمران/۱۳۷)

«قطعاً پیش از شما سنت‌هایی بوده و سپری شده است. پس در زمین بگردید و

بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است»؟

در این آیه خداوند همه را به سیاحت در زمین به منظور آگاهی از سرانجام تکذیب‌کنندگان و آنچه بر آن‌ها رفته، فراخوانده است؛ در تفسیر این آیه گفته شده: کلمه «سنن» جمع سنت است و به معنای طریقت و روشی است که باید در مجتمع سیر شود و این که امر فرموده در زمین سیر کنند برای این است که از سرگذشت امت‌های گذشته عبرت گیرند، و سرانجام پادشاهان و فراعنه طاغی را ببینند که چگونه قصرهای رفیع‌شان به دردشان نخورد، و ذخیره‌های موزه سلطنتی‌شان و تخت مزین به جواهرشان و لشکر و هواداران‌شان سودی به آنان نبخشید، و خدای تعالی همه را از بین ببرد، و چیزی به جز سرگذشتی که مایه عبرت باشد از آنان باقی نماند، ولی فرورفتگان در غفلت کجا؟ و عبرت کجا؟ (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۳۷).

﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ

أَمْثَالُهُمْ ذَلِكُمْ بَأْسٌ اللَّهُ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾ (محمد/۱۰-۱۱)

«مگر در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آن‌ها بوده‌اند به کجا انجامیده است؟ خدا زیر و زبرشان کرد و کافران را نظایر [همین کیفرها در پیش] است چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند ولی کافران را سرپرست و یآوری نیست».

در این آیه نیز سخن از لزوم سیر و سفر در زمین برای آگاهی از عاقبت کفرپیشگان است.

اصل تغییرناپذیری سنت‌های الهی

قرآن کریم تأکید فراوانی بر تغییرناپذیری سنت‌های الهی داشته؛ و در آیات متعددی ضمن اشاره به برخی از رویدادهایی که در امت‌های پیشین، اقوام گذشته، و یا در زمان پیامبر اکرم رخ داده آن‌ها را از مصادیق سنت‌های تغییرناپذیر خداوند دانسته است که از جمله می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِنْ لَا يَأْتِيَنَّكَ خِلافُكَ إِلَّا قَلِيلًا ۗ سُنَّةٌ مِّن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا﴾ (اسراء/ ۷۶-۷۷)

«و چیزی نمانده بود که تو را از زمین برکنند، تا تو را از آنجا بیرون سازند و در آن صورت آنان پس از تو جز زمان اندکی نمی‌ماندند؛ سنتی که همواره در میان (امت‌های) فرستادگانی که پیش از تو گسیل داشته‌ایم (جاری) بوده است، و برای سنت (و قانون) ما تغییر نخواهی یافت».

خدا در این آیات به توطئه و نیرنگ مشرکان برای بیرون کردن پیامبر از مکه اشاره کرده، و هشدار می‌دهد که اگر چنین کاری را انجام داده بودند، بر اساس سنت تغییرناپذیر الهی سرنوشتی جز نابودی و هلاکت در انتظار آن‌ها نبود (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۱۳: ۱۷۴).

﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ۗ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا خِذُوا وَ قَتَلُوا تَقْتِيلًا ۗ سُنَّةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (احزاب/ ۶۰-۶۲)

«اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه از کارشان باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز مدتی اندک در همسایگی تو نپایند. از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد. درباره کسانی که در پیش‌تر بوده‌اند همین سنت خدا جاری بوده است؛ و در سنت خدا هرگز تغییر نخواهی یافت».

«خدای سبحان می‌فرماید: این عذاب و نکالی که به منافقان و آن دو طایفه دیگر وعده دادیم و گفتیم که تبعیدشان می‌کنیم و خون‌شان را هدر می‌سازیم، سنتی است از خدا که در امت‌های پیشین نیز جاری ساخته، هر وقت قومی به راه فسادانگیزی و ایجاد فتنه افتادند، و خواستند به منظور استفاده‌های نامشروع، در بین مردم اضطراب افکنند تا در طغیان و سرکشی بی‌مانع باشند؛ ما آنان را به همین طریق گرفتیم و تو هرگز دگرگونی در سنت خدا نخواهی یافت، پس در شما

امت همان جاری می‌شود که در امت‌های قبل از شما جاری شد» (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۱۶: ۵۱۱).

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِمَامِ الَّذِي جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمُ الْإِنْفُورَ﴾ استكباراً في الأرض ومكر السوء ولا يحق المكر السوء إلا بأهله فهل ينظرون إلا سُنَّتِ الْأَوْلِيَاءِ وَلَئِن فَكَّنَ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَئِن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ (فاطر/ ۴۲-۴۳)

«و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر هر آینه هشداردهنده‌ای برای آنان بیاید، قطعاً از هریک از امت‌های دیگر راه یافته‌تر شوند، ولی چون هشداردهنده‌ای برایشان آمد، جز بر نفرت‌شان نیفزود. انگیزه این کارشان فقط گردنکشی در روی زمین و نیرنگ زشت بود؛ و نیرنگ زشت جز دامن صاحبش را نگیرد. پس آیا جز سنت و سرنوشت شوم پیشینیان را انتظار می‌برند؟ و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت».

قریش قبل از بعثت پیامبر سوگند یاد کرده بودند که اگر برای آن‌ها پیامبری بیاید بر خلاف اهل کتاب که پیامبران خود را تکذیب می‌کردند بهتر از همه امت‌ها از پیامبر خود پیروی کنند؛ اما با بعثت پیامبر اکرم، آن‌ها از در نیرنگ و گردنکشی برآمدند. اینجاست که خداوند به آن‌ها هشدار می‌دهد بر اساس سنت تغییرناپذیر الهی، نیرنگ نیرنگبازان جز به خود آن‌ها بر نخواهد گشت (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۱۷: ۵۸).

در تفسیر "المیزان" مراد از عدم تبدیل و تحویل سنت خدا چنین بیان شده است: «تبدیل سنت خدا به این است که عذاب خدا را بردارند و به جایش عافیت و نعمت بگذارند، و تحویل سنت عبارت از این است که عذاب فلان قوم را که مستحق آن می‌باشند به سوی قومی دیگر برگردانند و سنت خدا نه تبدیل می‌پذیرد و نه تحویل؛ برای این که خدای تعالی بر صراط مستقیم است حکم او نه تبعیض دارد و نه استثنا. همچنان که خدای تعالی مشرکان مورد نظر آیه را در جنگ بدر به عذاب خود گرفت و همگی را کشت (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۱۸: ۲۸۷).

﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَئِن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (فتح/ ۲۲-۲۳)

«و اگر کسانی که کافر شدند به جنگ با شما برخیزند قطعاً پشت خواهند کرد و دیگر یار و یابوری نخواهند یافت، سنت الهی از پیش همین بوده و در سنت الهی

هرگز تغییری نخواهی یافت».

خداوند در این آیات به مؤمنان بشارت می‌دهد که کافران توان رویارویی با شما را ندارند، و اگر به جنگ با شما هم برخیزند بر اساس سنت الهی بی‌یار و یاور شده و از پا در خواهند آمد (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۴: ۳۰).

ویژگی‌های سنت‌های الهی

سنن الهی ویژگی‌های مشترکی دارند که عبارت‌اند از:

۱. کلی، عمومی و قانون‌بودن سنت‌های الهی: ﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ﴾ (اعراف/۳۸)
 ۲. تغییرناپذیربودن سنت‌های الهی: ﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ تبدیل یعنی عوض کردن چیزی به طور کلی و تحویل یعنی دگرگونی و تغییر در آن از حیث کمی و کیفی؛ و در سنت الهی نه تبدیلی است و نه تحویلی.
 ۳. استثناپذیر نبودن سنت‌های الهی: ﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ﴾ (اعراف/۳۸)
 ۴. جبری نبودن سنت‌های الهی: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْزُبُ مَا يَقُومُ حَتَّىٰ يَعْزِبُوا مَا بَأْنَفُسِهِمْ﴾ (رعد/۱۱)
 ۵. غالب سنت‌های الهی دنیوی‌اند، هرچند همراه با پاداش اخروی نیز می‌باشند: ﴿وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا﴾ (کهف/۵۹).
- ع‌غالب سنت‌های الهی مربوط به امور اجتماعی هستند و از امور فردی فراترند: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا فَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (اعراف/۹۶).

آیا معجزه نقض سنت الهی است؟

اگر تغییراتی در سنت‌های جهان مشاهده می‌شود آن تغییرها معلول تغییر شرایط است، و بدیهی است که هر سنتی در شرایط خاص جاری است و با تغییر شرایط سنتی دیگر جایگزین آن می‌شود و آن سنت نیز در شرایط خاص خود کلیت دارد.

اگر مرده‌ای با اعجاز زنده می‌شود، آن خود حساب و قانونی دارد. اگر فرزندی همچون عیسی بن مریم بدون پدر متولد می‌شود بر خلاف سنت الهی و قانون جهان نیست.

بشر همه سنت‌ها و قانون‌های آفرینش را نمی‌شناسد و همین‌که چیزی را بر ضد قانون و سنت خود ببیند، می‌پندارد مطلقاً بر خلاف قانون و سنت، و استثناء است، نقض قانون علیت است؛ و در بسیاری موارد هم آنچه را که به عنوان قانون می‌شناسد قشر قانون است نه قانون واقعی؛

این که قانون‌های واقعی آفرینش تخلف‌ناپذیر است سخنی است، و این که آیا قوانینی که ما شناخته‌ایم قانون‌های واقعی جهان یا قشری از قانون است؟ سخنی دیگر است. معنای معجزه بی‌قانونی یا فوق قانون بودن نیست. ماتریالیست‌ها دچار اشتباه شده و بخشی از قوانین طبیعی جهان را که به وسیله علوم کشف گردیده، قانون‌های قطعی و لایتغیر دانسته و سپس معجزات را نقض قانون پنداشته‌اند. ما می‌گوییم آنچه را که علوم بیان کرده‌اند در شرایط مخصوص و محدودی صادق است و زمانی که با اراده یک پیغمبر یا ولی خدا کاری خارق‌العاده انجام می‌گیرد شرایط عوض می‌شود (مطهری، بی تا، ج ۱: ۱۳۹).

تأثیر تقوا و توکل بر سنت الهی

در سوره طلاق می‌خوانیم:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
إِنَّ اللَّهَ بِالِغَايَةِ أَعْيُنُهُمْ أَكْبَرُ مِنْ حَيْثُ يُرِيدُ أَلَّا يَجْعَلَ لِمَنْ يَشَاءُ قَدْرًا﴾ (طلاق/۲-۳)

«هرکس پرهیزکاری کند خداوند راه خروجی برای رهایی وی از مشکلات قرار می‌دهد و از طریقی که گمان ندارد روزی‌اش را می‌رساند، و هرکس بر خدا اعتماد کند و کار خود را به وی واگذارد خدا برای او کافی است. همانا خدا فرمان خویش را به نتیجه می‌رساند و آنچه را که بخواهد تخلف ندارد. راستی که خدا برای هر چیزی قدر و اندازه‌ای معین کرده است.»

در این آیه قانونی که فوق قوانین و حاکم بر همه آن‌هاست بیان گردیده و آن قانون تقوا و توکل است؛ از این آیه استنباط می‌شود که به دنبال توکل، عنایت پروردگار قطعی است. هرکس بر خدا به حقیقت توکل کند عنایت خدا را همراه دارد و با عنایت و تأیید خدا که سنتی الهی است و سلسله علت و معلولی دارد، قطعاً به هدفش می‌رسد. این قانونی است که بر همه قانون‌های دیگر حکومت می‌کند در عین حال برای این که فراموش نشود که کار خدا نظام و قانونی دارد بیان فرموده که خدا برای هر چیزی اندازه و حسابی قرار داده است، و هم فرموده که هرکس پرهیزکاری کند، خدا برای وی راهی قرار می‌دهد؛ یعنی کار او بدون قانون و بی‌وسیله نیست، هرچند که ممکن است آن وسیله از وسائل عادی و راه‌های شناخته‌شده نبوده بلکه من حیث لا یحتسب باشد (مطهری، همان: ۱۴۰).

انواع سنت‌های الهی

سنت‌های الهی را به دو دسته مشروط و مطلق می‌توان تقسیم کرد: سنت‌های مشروط یعنی سنت‌هایی که فقط بر تلازم شرط و مشروط دلالت دارند، به این معنا که اگر محقق شود مشروط هم محقق خواهد شد، اما بر تحقق شرط در خارج دلالت نمی‌کند یعنی نمی‌گوید که شرط حتما در خارج محقق شده است (حامد مقدم، ۱۳۷۹: ۳-۴).

سنت‌های مشروط خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

أ. سنت‌های مقید و مشروطی که مخصوص اهل باطل است؛ برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. سنت املاء

املاء به معنای مهلت‌دادن تا مدت معین است؛ منظور مهلت‌دادن به امت‌هایی است که قدر نعمت هدایت خود را نمی‌دانند تا بلکه هوشیار شوند و توبه کنند، و یا این که عذاب مهین را برای خود فراهم کنند. البته این فرصت در نهایت به ضرر آن‌ها تمام می‌شود، چون خداوند بر اعمال آنان بصیر و از نیات‌شان باخبر است و می‌داند که آنان ایمان نمی‌آورند:

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا أُمِلُّ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمِلُّ لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ

عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (آل عمران/ ۱۷۸)

«آنان که کافر شدند تصور نکنند که اگر به آنان مهلت می‌دهیم به سودشان است. ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای این که به گناهان خود بیفزایند».

خداوند در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَأُمِلُّ لَهُمْ كَيْدِي مُتَيْنٍ﴾ (اعراف/ ۱۸۳ و قلم/ ۴۵)

«به آنان مهلت می‌دهم زیرا طرح و نقشه من قوی و حساب‌شده است».

به این ترتیب نامه اعمال‌شان سیاه‌تر شده، و هرگونه راه نجات و رهایی از عذاب بر آنان بسته و مجازات‌شان دردناک‌تر می‌شود. خداوند گناهکاران جسور و طغیانگران بی‌پاک را بر اساس این سنت فوراً گرفتار مجازات نمی‌کند؛ بلکه درهای نعمت خود را به سوی آنان می‌گشاید تا یا متنبه شوند و یا بر غرور و غفلت‌شان افزوده شود. در صورت اول برنامه هدایت الهی عملی شده است و در صورت دوم عدالت و حکمت الهی محقق می‌شود.

علامه ذیل آیه ۱۸۳ سوره اعراف می‌فرماید که املاء از سنخ فضای الهی، و مختص به ذات باری تعالی است و کسی با خدا در آن شریک نیست و لذا در اغلب موارد با صیغه متکلم وحده از آن تعبیر شده است (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۸: ۳۴۷).

۲. سنت استدراج

برای استدراج دو معنا ذکر شده است: یکی به تدریج و پله پله چیزی را گرفتن؛ و دیگر پیچیدن که در این هم معنای انجام یافتن تدریجی است. سنت استدراج با تجدید نعمتی بعد از نعمت دیگر صورت می‌گیرد تا به وسیله التذاد از نعمات، غفلت تشدید شود و سزاوار عذاب گردد. در سنت استدراج نکته اصلی، تجدید نعمت پس از نعمت دیگر است و طبعاً این امر مستلزم مهلت دادن نیز می‌باشد.

کلمه استدراج در دو آیه از قرآن ذکر شده است:

﴿فَذَرْنِي وَمَنْ يَكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (قلم/۴۴)

«ای رسول کیفر مکذبان را به من واگذار که ما آنها را به تدریج از آنجا که نفهمند به عذاب سخت درافکنیم».

و نیز می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (اعراف/۱۸۲)

«کسانی که آیات ما را تکذیب کردند به تدریج آنان را به عذاب افکنیم از جایی که نفهمند».

همچنین آیات ۴۴ سوره انعام، و ۹۵ سوره اعراف از مصادیق سنت استدراج شمرده شده است. علامه در ذیل آیه ۱۸۲ اعراف می‌فرماید: «از آنجا که استدراج روش رساندن نعمت بعد از نعمت است، و این نعمت‌ها به وسائلی از ملائکه و امر به انسان می‌رسد لذا از سنت استدراج با صیغه متکلم مع الغیر تعبیر شده است» (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۸: ۳۴۷).

۳. سنت امهال

امهال به معنی مهلت دادن نیز از سنت‌های الهی است که به کفار و گناهکاران مهلتی برای اصلاح و تجدیدنظر می‌دهد. اگر این مهلت نبود و مجازات‌های پی در پی نازل می‌شد، دیگر زمین برای احدی جای زندگی نبود؛ ولی خداوند بر اساس قانونش تا اجل مسمی و سرآمد معینی به آنان فرصت می‌دهد:

﴿وَلَوْ يَؤُخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظُهُرِهِمْ مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ

مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا﴾ (فاطر/۴۵)

«و اگر خدا بخواهد مردم را به سبب کارهایی که کرده‌اند بازخواست کند، بر روی

زمین هیچ جنبنده‌ای باقی نگذارد، ولی آن‌ها را تا زمان معینی مهلت می‌دهد و چون مدت‌شان به سر آمد به اعمال بندگان خویش آگاه است.»

۴. سنت اضلال

﴿أُولَٰئِكَ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ* ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أُسَاؤُا وَالسَّوَأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (روم/ ۹-۱۰)

«آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بوده؟! آن‌ها نیرومندتر از اینان بودند و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبران‌شان با دلایل روشن به سراغ‌شان آمدند (اما آن‌ها انکار کردند و کیفر خود را دیدند). خداوند هرگز به آنان ستم نکرد آن‌ها به خودشان ستم می‌کردند! سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند.»

۵. سنت در تنگنا قراردادن مجرمان به امید بازگشت

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ مِمَّا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّشْرِكِينَ﴾ (روم/ ۴۱-۴۲)

«فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شد؛ خدا می‌خواهد نتیجه برخی اعمال‌شان را به آنان بچشاند، شاید به سوی حق بازگردند! بگو در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیش‌تر آن‌ها مشرک بودند.»

۶. سنت عذاب شدید به شرط کفران نعمت

﴿وَإِذ تَأْتِيَن رَّبُّكُمْ لِيَن شُكْرْتُمْ لِأَنتُمْ كُفَرْتُمْ وَلَٰئِن كُفَرْتُمْ لَنُعَذِّبَنَّكُمْ﴾ (ابراهيم/ ۷)

«به خاطر بیاورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت که اگر شکرگزاری کنید

نعمت خود را بر شما خواهیم افزود و اگر کفران کنید مجازاتم شدید است.»

ب. سنت‌های مقید و مشروطی که مخصوص اهل حق است؛ برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. سنت تغییر اجتماعی مشروط به تغییر روحی

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد/۱۱)

«خداوند وضع هیچ ملتی را عوض نمی‌کند تا که خودشان تغییری در خود ایجاد کنند.»

این آیه کریمه رمز پیشرفت یا عقب‌افتادگی ملت‌ها را بیان می‌کند؛ هیچ مردمی از بدبختی به خوشبختی نمی‌رسند مگر این که عوامل بدبختی را از خود دور کنند، و بالعکس ملت خوشبخت را خدا بدبخت نمی‌کند مگر آنکه خودشان موجبات بدبختی را برای خویش فراهم آورند. قرآن سپس فرمولی کلی را یادآوری می‌کند؛ این که هر فسادی مقدمه شکست و بدبختی است و هر تجدید نظر اصلاحی رحمت خدا را تجدید می‌کند:

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّةً ثَانِيَةً وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَا كَمَا كَفَرْتُمْ أَنْتُمْ أَكْثَرُ نَفِيرًا﴾ إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنُكُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسْوُوا أَوْجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا﴾ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عَدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾ (اسراء/۳-۸)

«به فرزندان اسرائیل اخطار کردیم که شما دو بار در روی زمین فساد می‌کنید، و علو و برتری می‌جوئید (یعنی قدرت خود را بر مردم تحمیل و به حقوق دیگران تجاوز می‌کنید، همان کاری که استعمارگران نسبت به مستعمره‌ها انجام می‌دهند). به دنبال نوبت نخستین بندگانی از آن خود نیرومند برمی‌انگیزیم و بر شما مسلط می‌کنیم، شما را بکوبند و در داخل خاک شما نفوذ کنند؛ بار دیگر وقتی که شما خود را عوض کنید شما را بر دشمنان تان پیروز کنیم و با مال و فرزند و نفرات، شما را مدد رسانیم، اگر نیکی پیشه سازید، به نفع خود شما خواهد بود و اگر بد کنید نیز به ضرر شما خواهد بود. چون فساد دوم را ایجاد کنید مجدداً دشمن را بر

شما مسلط می‌کنیم تا شما را بدبخت سازد و دوباره در خاک شما و معبد شما پای نهد و همه چیز را زیر و رو کند. امید است پروردگارتان به شما ترحم کند (یعنی ممکن است پس از بدبختی دوباره شما را نیکبخت کند) ولی اگر برگردید باز هم ما برمی‌گردیم (زیرا قانون ما این است که اگر صد بار فساد کنید صد بار شما را بکوبیم و اگر در جهت خوبی و نیکی خود را عوض کنید ما هم روش خود را با شما عوض می‌کنیم) و جهنم را دربرگیرنده کافران قرار داده‌ایم. در حقیقت این آیات بسط و گسترش همان فرمول کلی است که:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَ حَتَّىٰ يَعْزِبَ مَا بَأْتَفْسِهِمْ﴾

۲. سنت امداد مؤمنان مشروط به ایمان و طاعت

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا أَلْمَتْهُمُهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ * إِذْ جَاءُواكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظَّنُونَ * هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا﴾ (احزاب ۹/۱۱-۱۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی عظیم به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و توفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آن‌ها را نمی‌دیدند (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم) و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید بینا بوده است. (به خاطر بیابورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به لب رسیده و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌بردید. آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند.

اما مقید بودن این سنت از ظاهر کلمه «**هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ**» به دست می‌آید؛ یعنی این امداد به ایمان و اطاعت از رهبری برحق است.

۳. سنت امداد خاص مشروط به ایمان

امداد از سنن عام الهی است و شامل مؤمن و کافر، قبل و بعد از هدایت می‌شود.

﴿كَلَّا تَمَدُّهُوْا لَهُ وَّهُوْا لِمِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ﴾ (اسراء/۲۰)

«به هر دو گروه مؤمن و کافر از فضل پروردگارت یاری می‌رسانیم».
در این آیه امداد و کمک خداوند شامل هر دو گروه انسان‌های دنیا طلب و آخرت طلب عنوان شده است.

سنت استدراج و املاء از سنت‌های بعد از هدایت است و گرچه ممکن است در مواردی مصداق سنت استدراج و امداد یکی شود؛ مانند:

﴿مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَانُ مَدًّا﴾ (مریم/۷۵)

ولی به معنای یکسانی آن‌ها نیست. خداوند به کافر روزی می‌دهد و او حاصل تلاش‌های خود را در دنیا می‌بیند و این ربطی به استدراج ندارد.

به علاوه خداوند نسبت به مؤمنان علاوه بر امداد عام که تجلی صفات رحمانیت اوست، امداد خاصی نیز دارد که از آن به «توفیق» تعبیر می‌شود که تجلی صفت رحیمیت اوست:

﴿إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ﴾ (آل-

عمران/۱۲۴)

«ای رسول به یاد آر آنگاه که مؤمنان را گفتی آیا خداوند به شما مدد نکرد که سه هزار فرشته به یاری شما فرستاد».

۴. سنت مجاهدت و هدایت اهل حق مشروط به تلاش

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (عنکبوت/۶۹)

«و آن‌ها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود هدایت‌شان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است».

۵. سنت ازدیاد نعمت مشروط به شکر

﴿وَإِذْ تَأْتِيَن رَّبُّكُمْ لِيَنْ شَكْرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ (ابراهیم/۷)

«به خاطر بیاورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت اگر شکرگزاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر کفران کنید مجازاتم شدید است».

۲. سنت‌های مطلق یعنی سنت‌هایی که مشروط به شرطی نیستند؛ بلکه فعلیت دارند و یا در

آینده به طور قطع و یقین محقق خواهند شد، مانند:

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ خَلْقَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ﴾ (أنعام/ ۱۶۵)

«او خدایی است که شما را جانشینان بر زمین قرار داد و برخی از شما را بر برخی دیگر رفعت داد».

۱. سنت ولایت خداوند بر بندگان صالح

ولایت ناشی از اطاعت و بندگی خدا، به معنای سرپرستی به هدایت تشریحی و تکوینی، و فراهم کردن اسباب خیر و توفیق به انجام خیر، و اجتناب از شرور است. این هدایت ولایتی است که ویژه مؤمنان میباشد:

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ الطَّاغُوتِ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ﴾ (بقره/ ۲۵۷)

بنابراین مؤمنان با پذیرش خداوند به عنوان ولی و سرپرست خویش، تحت ولایت خداوند باقی می‌مانند و کفار با سرپرست قراردادن طاغوت، از ولایت الله خارج می‌شوند. ملاصدرا ذیل این آیه می‌نویسد: «خدا ولی مؤمنان است؛ به این معنا که نصیر و یاور در امور دنیوی و اخروی آنان است. چون خداوند از مؤمن و کافر سخن گفت، خواست متولی امر هر یک از این دو گروه را روشن کند و برانگیزاننده خواسته‌های آنان و مطلوب‌ها و حرکت‌های آنان را نیز روشن سازد؛ پس فرمود: «همانا خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند»؛ یعنی یاور و کمک‌کار آنان است در هر آنچه به آن نیاز دارند و مصلحت امور دین و دنیایشان در آن است. آنان را تشویق می‌کند و با رساندن به تمام مقصودشان به بالاترین مقامات‌شان میرساند» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۲، ج ۴: ۲۲۷).

آنچه از معانی ولایت در موارد استعمالش به دست می‌آید این است که ولایت، عبارت است از گونه‌ای قربی که باعث و مجوز نوع خاصی از تصرف و مالکیت تدبیر می‌شود. در آیه شریفه مورد بحث، سیاقی که از آن استفاده می‌شود ولایت خدا و رسول و مؤمنان به یک معنا است، که به یک نسبت ولایت را به همه نسبت داده است (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۱۱: ۲۲).

۲. سنت نجات مؤمنان

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس/ ۱۰۳)

«خداوند پیامبران، فرمانبرداران، و پیروان آنان را کمک کرده و پیروزی و چیرگی می‌بخشد».

علامه طباطبایی درباره نجات مؤمنان می‌نویسد: «و اما این که فرمود: ﴿كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نَحْمُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ با در نظر گرفتن حرف کاف تشبیه که در اول آیه آمده، معنا این است که: همانطور که همواره رسولان و ایمان‌آوردگان از امت‌های گذشته را هنگام نزول عذاب نجات داده‌ایم، همچنین نجات مؤمنان به وسیله تو نیز حقی است بر عهده ما؛ و «ال» در المؤمنین الف و لام عهد است که معنایش مؤمنان معهود می‌باشد؛ یعنی مؤمنان این امت. این جمله بیانگر وعده جمیلی است به رسول خدا و به مؤمنان این امت که خدای تعالی آنان را نجات خواهد داد و بعید نیست از این که در این جمله نام رسول خدا را نیاورده و تنها فرموده «مؤمنان را نجات می‌دهیم» با این که درباره امت‌های سابق، رسولان را با مؤمنان ذکر کرده بود، استفاده شود که رسول خدا این نجات موعود را درک نمی‌کند و خدای تعالی بعد از رحلت آن جناب مؤمنان امتش را نجات می‌دهد (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۱۹۰: ۱۰).

در "تفسیر نمونه" در مفهوم این آیه آمده است: «نجات رسولان و کسانی که ایمان آورده‌اند اختصاص به اقوام گذشته و رسولان و مؤمنان پیشین نداشته بلکه همین‌گونه تو و ایمان‌آوردگان به تو را نجات خواهیم بخشید و این حقی است بر ما؛ حقی مسلم و تخلف‌ناپذیر (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۸: ۳۹۵).

بنابراین نجات مؤمنان وعده مسلم خداوند و سنت تخلف‌ناپذیر اوست. با توجه به آیات مذکور خداوند نجات مؤمنان را تضمین کرده است.

۳. سنت حاکمیت صالحان

از دیگر سنت‌های الهی سنت حاکمیت صالحان است. آیه زیر گویای این سنت است:

﴿وَلَقَى كَتَبَانِی الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِی الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء/ ۱۰۵)

«و به تحقیق در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

خداوند متعال در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْفِنَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخَفَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا

يُشْرِكُونَ بِشَيْءٍ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿نور/ ۵۵﴾

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است پا بر جا خواهد ساخت و ترس‌شان را به امنیت و آرامش تبدیل می‌کند؛ آن‌چنان که فقط مرا پرستیده و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند آن‌ها فاسقان هستند».

۴. سنت تعلق آینده به پرهیزکاران

از دیگر سنت‌های الهی که در قرآن کریم از آن سخن به میان آمده، این است که آینده از آن پرهیزکاران است:

﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْمِعُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف/ ۱۲۸)

«موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوئید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است».

آیت‌الله جوادی آملی درباره این قسمت از آیه ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ می‌فرماید: «آن مطلب مهم که از حضرت کلیم(ع) در این موقع رسیده است همانا نکته جاودانه خواهد بود که برای مردم هر عصر سودمند است، و آن این‌که انتظار می‌رود خداوند دشمن شما را نابود می‌کند، و شما را جانشین در زمین قرار دهد و شما بنگرید که چگونه هیچ نعمتی بدون حسابرسی به کسی داده نمی‌شود(جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۷: ۳۶۹).

علامه طباطبایی ذیل «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» چنین آورده است: «اگر خداوند به طور مطلق فرمود: «عاقبت از آن پرهیزکاران است» برای این بود که سنت الهی بر این طریق جریان دارد. آری خداوند تعالی نظام عالم را به گونه‌ای قرار داده که هر نوعی از انواع موجودات به منتهای سیری که خداوند برایش معلوم کرده برسد، و به سعادت مقدر خود نایل شود. حال انسان هم که یکی از انواع موجودات است حال همان‌ها است. او نیز اگر در راهی قدم بگذارد که خداوند و فطرت برایش ترسیم کرده و از انحراف از راه خدا یعنی از کفر به خدا و آیات او و فسادانگیختن در زمین

بپرهیزد، خداوند به سوی عاقبت نیک هدایتش کرده و به زندگی پاک زنده‌اش داشته و به سوی هر خیری که بخواهد ارشادش می‌کند (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۸: ۲۸۸).

۵. سنت غلبه بر سایر ادیان

خداوند متعال وعده غلبه بر سایر ادیان را چند جای قرآن از جمله در آیات زیر به صراحت آورده:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

المشركون﴾ (توبه/۳۳)

«او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند هرچند مشرکان کراهت داشته باشند».

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ

شَهِيداً﴾ (فتح/۲۸)

«او کسی است که رسولش با هدایت و دین حق فرستاده، تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه (برای این موضوع) باشد».

در تفسیر "مجمع البیان" ذیل آیه فوق از رسول خدا روایت شده است که فرمود: «خانه‌ای روی زمین باقی نمی‌ماند نه ساخته شده از گل و لای (خانه شهری) و نه ساخته شده از پشم شتر (خیمه عشایری)؛ مگر این که خداوند کلمه اسلام را آنجا از طریق عزت و شوکت یا از طریق ذلت و خوار کردن مردم وارد کند. اگر به عزت و شوکت باشد مردم آن دیار را در زمره مسلمانان درآورده و بدین وسیله آنان عزیز و ارجمند گردند، و اگر خوار و ذلیل شوند، عاقبت به اسلام گردن نهند و خود را بدان پایبند سازند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۸).

۶. سنت آزمایش

از دیگر سنت‌های الهی سنت آزمایش است؛ آزمایش از سنت‌های عام الهی است که به امت اسلام اختصاص ندارد بلکه در همه امت‌های پیشین نیز جاری بوده، لیکن ابزار آزمایش متفاوت است. خداوند گروهی را با سختی‌ها و مشکلات امتحان فرموده، آن‌ها را دچار فقر و محرومیت و مرض می‌کند تا به این وسیله درجه صبر و استقامت آن‌ها را بیازماید. در این میان برخی به خوبی امتحان خود را پس می‌دهند و مصداق این آیه شریفه می‌شوند:

﴿وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمْرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره/ ۱۵۵-۱۵۶)

«و البته شما را به سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و کمبود اموال و نفوس و آفات و زراعت بیازماییم و بشارت ده به صابران؛ آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند صبر کنند و گویند ما به فرمان خدا آمده و به سوی او رجوع خواهیم کرد؛ آن گروه‌اند که درود و رحمت خداوند بر آنان خواهد رسید و آن‌ها هدایت-یافتگان هستند».

۷. سنت ارسال پیامبران

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا لِّيَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا﴾ (قصص/ ۵۹)

«و پروردگار تو اهل هیچ شهر و دیاری را تا در مرکز آن رسولی نفرستد که آیات ما را بر آن‌ها تلاوت کند هرگز هلاک نکند».

۸. سنت آسایش بعد از سختی

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۗ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (الشرح/ ۵-۶)

«به یقین با هر سختی آسانی است، مسلماً با هر سختی آسانی است».

۹. سنت انتقام از مجرمان

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّمَا مِنَ الْمَجْرِمِينَ مُتَتَمِّمُونَ﴾ (سجده/ ۲۲)

«چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او یادآوری شده و او از آن اعراض کرده است، مسلماً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت».

در این آیه شریفه خداوند خبر انتقام از مجرمان می‌دهد.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُواهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أُجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم/ ۴۷)

«و پیش از تو پیامبرانی را به سوی قوم‌شان فرستادیم؛ آن‌ها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندرزها سودی نداد) از مجرمان انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم)؛ و یاری مؤمنان همواره حقی است بر عهده ما».

۱۰. سنت قطعی أجل مسمی

﴿وَيَسْمَعُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلِيَأْتِيَهُمْ بَعْتَةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (عنکبوت/۵۳)

«آنان با شتاب از تو عذاب را می‌طلبند؛ و اگر موعد مقرر تعیین نشده بود، عذاب (الهی) به سراغ آنان می‌آمد؛ سرانجام این عذاب به طور ناگهانی بر آنها نازل می‌شود در حالی که نمی‌دانند (و غافل‌اند)».

این آیه شریفه می‌گوید سنت خداوند بر این قرار گرفته که برای هر فرد و همچنین برای هر قوم پایان مشخصی است که تقدیم و تأخیر ندارد.

۱۱. سنت قطعی مرگ

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ (عنکبوت/۵۷)

«هر انسانی مرگ را می‌چشد سپس به سوی ما بازگردانده می‌شوید».

فرق بین سنت قبلی و آیه فعلی در این است که در آیه قبل سخن از نوع اجل و مرگ بود اما در این آیه به صورت کلی از اصل مرگ خبر می‌دهد.

نتیجه بحث

جهان هستی با سلسله نظامات و قوانین ذاتی و لا یتغیر اداره می‌شود، و به موجب آن هر شیء و هر پدیده، مقام و مرتبه مخصوصی دارد که تغییر و تبدیل را در آن راهی نیست. سنت‌های الهی دو ویژگی دارند: کلی و عمومی هستند، یعنی قانون‌اند؛ و دیگر اینکه تغییرناپذیرند؛ ترغیب قرآن به مطالعه سرگذشت اقوام گذشته، خود مؤید این دو ویژگی است.

خداوند متعال سرنوشت ملت‌ها را مبتنی بر سنت‌ها و قوانین ثابت و تغییرناپذیر خویش بنا نهاده است. این قوانین به نحوی است که هر ملتی بتواند سرنوشت خویش را به دست اراده خویش رقم زند؛ از این‌رو در شماری از آیات قرآن کریم سخن از سنت‌های الهی از قبیل سنت انقراض ظلم و ستم، سنت پیروزی حق بر باطل، سنت حاکمیت صالحان، سنت غلبه اسلام بر سایر ادیان و سنت جانشینی مستضعفان به میان آمده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴هـ.ق. **لسان العرب**. بیروت: دارصادر.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۰هـ.ش. **تسنیم**. قم: مرکز نشر اسراء.
- حامد مقدم، احمد. ۱۳۷۹هـ.ش. **سنت‌های اجتماعی در قرآن**. مشهد: آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲هـ.ق. **المفردات فی غریب القرآن**. بیروت: دارالعلم.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم. ۱۳۷۲هـ.ش. **تفسیر القرآن الکریم**. قم: انتشارات بیدار.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۹۹۱م. **تفسیر المیزان**. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲هـ.ش. **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- افیومی، احمد بن محمد بن علی. ۱۴۰۵هـ.ق. **المصباح المنیر**. قم: دار الهجرة.
- قرشی، سیدعلی اکبر. ۱۳۷۱هـ.ش. **قاموس قرآن**. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۵هـ.ش. **مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی**. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. بی تا. **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۶۲هـ.ش. **تفسیر نمونه** تهران: دارالکتب الإسلامية.